

MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

بررسی تعدیل وجه التزام در فقه و حقوق موضوعه

حمید سهرابی^۱، اصغر عربیان^{۲*}، نجاد علی الماسی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: جهانی شدن، افزایش شهرنشینی، رشد و گسترش مبادلات اقتصادی و بازرگانی، قراردادهای را با موقعیت‌های خاصی رو به رو نموده است. از این رو مقاله حاضر درصدد «بررسی تعدیل وجه التزام در فقه و حقوق موضوعه» است.

مواد و روش‌ها: مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش، روش تحقیق تطبیقی و روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، تحلیل اسنادی - حقوقی می‌باشد.

یافته‌ها: در ایران، بر اساس ماده ۲۳۰ ق.م.ضمن اینکه رویه قضایی واحدی وجود ندارد، بر عدم امکان تعدیل وجه التزام تأکید شده است. از طرفی در صورت گزاف بودن چنین وجه التزامی، این شرط با قواعد فقهی منجمله؛ عدل و انصاف، منع اکل مال به باطل و لاجرم سازگاری ندارد. پیشنهاد این است که تا زمان اصلاح ماده قانونی مذکور، این ایراد با صدور رای وحدت رویه ای از سوی دیوان عالی کشور برطرف شود.

ملاحظات اخلاقی: در مراحل مختلف نگارش مقاله حاضر، اصول اخلاقی، از جمله توجه به شیوه‌نامه ارجاع‌دهی علمی و اخلاقی مد نظر قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: فقدان یک چارچوب حقوقی قراردادی و عدم تبیین حقوقی مناسب از نظریه امور غیر قابل پیش‌بینی دو چالش اساسی در قوانین ایران در ارتباط با تعدیل وجه التزام هستند. توجه به لزوم احترام به اصل آزادی قراردادهای از یکسو و جلوگیری از تضییع حقوق طرف ضعیف قرارداد و شرایط حاکم بر زمان انعقاد قرارداد با تأکید بر احراز اراده باطنی طرفین قرارداد امری لازم است.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

واژگان کلیدی:

تعدیل وجه التزام

رویه قضایی

فقه

حقوق

* نویسنده مسؤول:

اصغر عربیان

آدرس پستی: ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، گروه حقوق خصوصی.

کد پستی: ۹۳۸۵۵-۱۴۷۷۸

تلفن: ۴۴۸۶۵۱۵۴-۲۱

پست الکترونیک:

A.arabian42@gmail.com

۱. مقدمه

زمان همواره آبستن حوادث و تغییرات مختلف است و از این جهت امکان بروز حوادث غیر مترقبه و غیر قابل پیش‌بینی و تغییر بنیادی در شرایط و اوضاع و احوال زمان انعقاد عقد و در نتیجه دشواری اجرای عقد و یا ورود ضرر غیر متعارف به یکی از طرفین، لذا امکان فسخ و یا حداقل تجدید نظر و تعدیل برای طرفی که با دشواری و یا ضرر غیر متعارف رو به رو شده است، وجود دارد. بنابراین تأثیر عوارض ناشی از تغییرات بر قرارداد و تعهدات، امری محتمل به نظر می‌رسد. بنابراین برای از بین‌رفتن قراردادهای، برخی شرایط پس از وقوع آنان حاصل می‌گردد که در نهایت می‌تواند به معنای در نظر گرفتن شرایط و تحولات پیش‌بینی نشده باشد. در خصوص وجه التزام نیز می‌توان بیان داشت که قرارداد حاصل و نتیجه توافق طرفین است و طرفین قرارداد می‌توانند هرگونه شرطی را با رعایت برخی موارد در قرارداد خود بگنجانند، این خصیصه بیان‌کننده اصل حاکمیت اراده است. آنچه اما در بحث وجه التزام همواره مطرح است توجه به مسأله تعدیل شرط وجه التزام می‌باشد، بدین‌شرح که متعاملین و نیز قانونگذار برای جلوگیری از برهم‌خوردن تعادل عوضین قراردادی، راهکارهایی را پیش‌بینی می‌نمایند، از جمله این راهکارها می‌توان به تعدیل وجه التزام اشاره نمود. به نحوی که چنانچه در آینده تعادل قراردادی که مد نظر طرفین بوده، به نحوی از بین برود، بتوان مجدداً آن را تعدیل وجه التزام نمود.

در راستای تعدیل وجه التزام در قوانین ایران و رویه قضایی می‌توان بیان داشت که دو دیدگاه یکی در قالب ماده ۲۳۰ قانون مدنی که برگرفته از قانون مدنی فرانسه می‌باشد و به موجب آن قاضی را از تعدیل وجه التزام منع نموده است و در مقابل، دیدگاه دیگری وجود دارد که با استناد به قواعد فقهی، از جمله «منع اکل مال به باطل»، «نفی عسر و حرج»، «غرری و نامشروع بودن»، «عدل و انصاف» و «بنای عقلا» و دیدگاه سایر حقوقدانان معتقدند که تعدیل وجه التزام قراردادی به شرط گزاف و ناعادلانه بودن وجود دارد، لذا حدود اختیارات دادگاه نیز در رابطه با امکان تغییر و تعدیل وجه التزام در

هاله‌ای از ابهام بوده که این امر موجب «تشتت آرای قضایی» گردیده است.

از این رو در این مقاله همچنین تلاش می‌شود تا رویه محاکم قضایی در صدور آرای وجه التزام قراردادی را نیز مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. متعاقدين در بسیاری از موارد با توجه به تجویز ماده ۲۳۰ قانون مدنی اقدام به تعیین وجه التزام قراردادی گزاف و یا ناچیز می‌نمایند و در آینده نیز پس از بروز اختلاف با مراجعه به محاکم قضایی، مواجه با تصمیمات ناعادلانه و محکومیت‌های سنگین و یا بالعکس فرار از بار تعهدات قراردادی خویش می‌گردند. نظر به اینکه در حال حاضر نیز این مسأله جزء مبتلا به افراد جامعه بوده، در نتیجه این مشکل، نارضایتی‌های فراوانی را نسبت به رویه متشتت در دادگستری و قوانین وضع‌شده به همراه داشته است که پرداختن و مشخص‌نمودن دلایل آن می‌تواند از اهمیت و ضرورت برخوردار باشد. سؤال پژوهش حاضر این است که تعدیل وجه التزام از چه جهاتی قابل دفاع است و می‌تواند در قوانین داخلی لحاظ شود؟ فرضیه نوشتار این است: در ایران بر مبنای رجوع به ماده ۲۳۰ ق.م، برخی مخالف تعدیل وجه التزام هستند، اما با توجه به جلوگیری از بی‌عدالتی، جبران خسارت و همسو بودن با قواعد فقهی نظیر لاضرر، اکل مال به باطل، قاعده عدل و انصاف، می‌توان تعدیل وجه التزام را در قوانین لحاظ نمود.

۲. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش مقاله حاضر، اصول اخلاقی از جمله توجه به شیوه‌نامه ارجاع‌دهی علمی و اخلاقی مدنظر قرار گرفته است.

۳. مواد و روش‌ها

مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش، روش تحقیق تطبیقی و روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، تحلیل اسنادی - حقوقی می‌باشد.

۴. یافته‌ها

قوانین ایران در حوزه وجه التزام از قدیمی بودن، اجرای وجه التزام ناعادلانه، عدم برخورداری از امنیت قراردادی و فقدان عدالت قراردادی در حوزه وجه التزام رنج می‌برند، ضمن اینکه در تعدیل وجه التزام، رعایت تضمین برابری بین منافع طرفین بدون غفلت از مقتضیات بازار می‌بایست لحاظ شود. همچنین در حقوق ایران، امکان تعدیل وجه التزام وجود دارد و وجه التزام در ایران توأمان هر دو چهره کیفری و جبران خسارت به خود می‌گیرد. به همین دلیل ادعای خلاف آن در دادگاه‌ها شنیده نمی‌شود، به این دلیل که در حقوق ایران وجه التزام مبلغی مقطوع می‌باشد، بدین مفهوم که دادگاه پس از استحقاق متعهدله در اثر نقص تعهد، باید حکم به پرداخت عین مبلغ درج شده در قرارداد را به عنوان خسارت بدهد، حتی اگر مبلغ تعیین شده چندین برابر زیان وارده باشد و یا برعکس نسبت به خسارت وارده بسیار ناچیز باشد و حق هیچ‌گونه تعدیل ندارد. در هر صورت، قانونگذار ایران در ماده ۲۳۰ ق.م.د.دگاه دوگانه‌ای را مطرح می‌کند. از یک طرف آن را جبران خسارت در نظر گرفته است که باید در صورت گراف بودن با خسارت واقعی، قابل تعدیل باشد و از طرف دیگر، در قسمت آخر ماده فوق، بر خصوصیت تضمینی شرط وجه التزام تکیه دارد که موجب عدم تعدیل آن خواهد بود، اما آنچه می‌توان گفت این است که چهره غالب وجه التزام به عنوان خسارت است، هر چند خصوصیت تضمینی هم در آن ملحوظ می‌گردد.

۵. بحث

۱-۵. پیشینه تحقیق

حاتمی و صادقی (۱۳۹۱ ش.) در مقاله‌ای با عنوان «شرط وجه التزام غیر عادلانه» بدین نتیجه رسیدند که وجه التزام در حقوق ایران ماهیت خسارت دارد و غیر قابل تغییر توسط قاضی است. پاسپان و همکاران (۱۳۹۳ ش.) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل اقتصادی نهاد وجه التزام؛ با تأکید بر حقوق کامن‌لا و رومی ژرمنی» به این نتیجه می‌رسد که حقوق نوشته شده در بحث قراردادهای و تعدیل وجه التزام در آن‌ها به مراتب کامل‌تر از حقوق کامن‌لا می‌باشد. مارن گارسیا (۲۰۲۱ م.) در

مقاله‌ای با عنوان «اجرای بندهای مجازات در حقوق مدنی و قانون مشترک: پازلی که توسط طرف‌های قرارداد بایستی حل شود» نگارنده در این مقاله ادعا دارد که توجه به قوانین فراملی برای تضمین اجرای بندهای مجازات در قراردادهای تجاری بین‌المللی امری ضروری است. مروه ابوالعلا (۲۰۱۸ م.) در مقاله‌ای با عنوان «تفاوت‌های بین تصحیح و تعدیل (اصلاح) قرارداد مطابق با فقه و حقوق» نگارنده ضمن بررسی دو مقوله «تصحیح» و «تعدیل» معتقد است که بسیاری از حقوقدانان این دو را یکی گرفته، در حالی که دو مقوله جداگانه به حساب می‌آیند. آنچه در فقه اسلامی در مورد لغو شرایط فساد ذکر شده، اصلاحیه در قرارداد محسوب نمی‌شود، بلکه تصحیح و نجات آن از بطلان است، زیرا در فقه حنفی، فساد یکی از مراتب بطلان است.

۵-۲. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

مشخص نمودن ضعف‌های حقوقی در حوزه تعدیل و خاصه تعدیل وجه التزام می‌تواند بسیار مهم و توأم با نوآوری باشد، چراکه با توجه به عصر جهانی شدن و تنوع در قوانین قراردادهای عمدتاً دچار تغییر و تعدیل خواهند شد. همچنین روشن نمودن زوایای ابهام‌آمیز، زمینه برای برطرف نمودن ضعف‌های قانونگذاری فراهم شده و با بهره‌گیری از متون حقوقی و قوانین دیگر کشورها می‌توان راهکار حقوقی مناسب در این زمینه را ارائه داد.

۵-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

بروز هر نوع خللی در تعهدات می‌تواند خسارات فراوانی در پی داشته باشد و زیان‌هایی برای فرد و جامعه به بار آورد. این موضوع سبب شده تا تلاش‌های فراوانی در راستای کاهش نقص تعهد و عدم وفای به عهد در قراردادهای صورت گیرد. یکی از این راهکارها در واقع توجه به «تعدیل وجه التزام» است که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود.

۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، عدم امکان مقایسه جامع‌تر از منظری حقوقی در میان قوانین کشورهای مختلف جهان در زمینه وجه التزام است. بدین ترتیب نویسنده تنها به بررسی تعدیل وجه التزام در قوانین داخلی، محدودیت‌ها و امکانات پیشروی آن می‌پردازد.

۵-۵. قرارداد و تعیین وجه التزام در آن

تفاوت میان قرارداد و تعهد در بحث وجه التزام نشان می‌دهد که (وجه التزام) نمودی عالی از تنش موجود در قانون قرارداد است که در تمام دوره‌های تاریخ قرارداد مشترک است، تعارض بین آزادی قرارداد، عدالت فردی و قطعیت قانونی است. ماهیت پویای قواعد و تغییر قانونی مستمر آن‌ها، نظریه‌های فلسفی، اقتصادی و حقوقی رایج در آن زمان را منعکس می‌کند. التزام (تعهد) و مستلزم همان ایجاد، یک حکم به اقتضای حکمی دیگر است به اینکه در صورت ایجاد ضرورت، لزوم ایجاد آن ضروری می‌شود یا ایجاد آن به گونه‌ای است که تحقق مورد در خارج برای تحقق آن لازم است (۱)، در حالی که یک حقوقدان دیگر، حق یا تعهد شخصی را به عنوان رابطه بین دو شخص طلبکار و بدهکار تعریف کرده است که بر اساس آن طلبکار از بدهکار می‌خواهد چیزی را بدهد یا کاری را انجام دهد و یا از کاری خودداری کند. بر این اساس، تعهد شامل چندین رابطه متمایز از هم در فقه است، این رابطه‌ها عبارتند از:

تعهد نسبت به بدهی که تعهدی است در عوض مبلغی از پول یا تعدادی از اشیای همجنس و این همان است که به ذمه مربوط می‌شود. تعهد نسبت به دارایی و آن تعهدی است در عوض مالکیت دارایی خاص، تعهد مالکیت منافع، تحویل یا نگهداری آن است؛ تعهد به کار، که تعهدی برای ساختن چیز خاصی از طریق عقد استصناع است (۲). همچنین اینکه تعهد به اسناد و مدارک و محل آن اطمینان از تعهد و منشأ آن عقد ضمان است (۳). این‌ها انواع مختلفی از تعهد هستند که از یکدیگر متمایز می‌شوند و فقهای شرع اسلام، آنگونه که حقوقدانان قانون وضعی انجام می‌دهند، آن‌ها را در یک نوع که

آن را تعهد می‌نامند، ترکیب نمی‌کنند. در میان این انواع مختلف، تنها تعهد بدهی است که به ذمه بدهکار مربوط می‌شود، اما دیگر تعهدات به ذمه مربوط نمی‌شوند، مگر اینکه به تعهدات بدهی تبدیل شوند (۳). بدین ترتیب اصطلاح «التزام» به معنی تعهدکردن است و اصطلاحی است که از فقه به حقوق مدنی راه یافته است و در کتب مختلف فقهی نیز به همین معنی به کار رفته است. اصولاً رابطه تعهد دوسویه است که یک سوی آن به متعهدله وابسته است و از آن به «الزام» تعبیر می‌شود و الزام نشانگر حق مطالبه برای متعهدله است، اما سوی دیگر آن که مربوط به متعهد است از آن به «التزام» تعبیر می‌شود (۴) که شخص از نظر شرعی و قانونی مکلف به انجام یا ممانعت از عملی به نفع شخص دیگری باشد. از این رو با حق شخصی در تقابل است که از چند بخش تشکیل شده است:

- متعهدله است یا صاحب حق: بدین معنی که در هر تعهدی باید دو طرف وجود داشته باشند فرد متعهد و فردی که به او تعهد داده شده است و طرفین باید مشخص باشند، اما فرد متعهد باید از ابتدای تعهد مشخص شود، زیرا او مکلف (مؤدی) یا بدهکار است و به وجودآمدن بدهی برای فرد نامشخص غیر منطقی است، اما درباره کسی که به او تعهد داده شده، یعنی همان صاحب حق، اصل این است که وی نیز باید از ابتدای تعهد مشخص شود.

- محل تعهد: چیزی است که فعل یا عمل به آن مربوط می‌شود. به عبارت دیگر عمدتاً موضوع تعهد باید از ابتدای ایجاد تعهد معلوم باشد. عدم آگاهی از موضوع در تعهدات قراردادی، موجب نقصان و یا بطلان قرارداد می‌شود. عدم آگاهی از موضوع و داشتن اطلاعاتی برای فهم تعهد می‌تواند راهگشا باشد، مانند اصلاح ضمانت در مواردی که اگر شخص با مایعه خود موجب ایجاد بدهی دیگری شود را تضمین کند (۵).

- موضوع تعهد: عملی است که به آن تعهد داده شده است (۶).

- اینکه مورد تعهد برای کسی که به آن متعهد است دارای ارزش مالی باشد، زیرا از کاری که هیچ ارزشی ندارد، انتظار

از آن‌ها است و به التزام و تعهد گفته می‌شود: تکلیف، عهده یا وظیفه.

بدین ترتیب اگر وجه التزام را به این عنوان بپذیریم که متعاقدين در زمانی که قرارداد را منعقد می‌کنند، مالی را تحت عنوان «جبران ناشی از نقض قرارداد» در نظر می‌گیرند، در اصل این وضعیت، حکم سلاحي با دو کاربرد متفاوت برای دو بازه زمانی مختلف می‌تواند داشته باشد: یکی در زمان اجرای قرارداد، به عنوان ابزاری برای تضمین اجرای تعهد و در واقع تهدید متعهد در راستای عمل به تعهد خود؛ اما شق دیگر در زمان نقض قرارداد معنا پیدا می‌کند و از آن جهت جبران خسارت ناشی از تخلف و مجازات متخلف یاد می‌شود.

در شرط وجه التزام مبلغ به طور قاطعی در نظر گرفته می‌شود که البته در تعیین میزان آن، محدودیتی وجود ندارد و تحت تأثیر توافق و اراده دو طرف است، ضمن اینکه در مسؤولیت‌های غیر قراردادی اغلب کمتر شرط وجه التزام در نظر گرفته می‌شود. در این شرایط، مبلغ تعیینی را وجه التزام در نظر نمی‌گیرند. به عنوان مثال، وقتی یک صاحب کارخانه‌ای توافق می‌کند که در صورت آلوده کردن هوا که ناشی از فعالیت‌های کارخانه وی باشد، خسارتی به باغداران پرداخت نماید، چنین چیزی تحت عنوان وجه التزام قرار نمی‌گیرد (۷).

۵-۶. بررسی تعدیل وجه التزام در رویه قضایی

در این قسمت به دو مبحث کلیدی، یعنی تعدیل وجه التزام در رویه قضایی و مستندات ابطال یا تعدیل وجه التزام هنگامت در رویه قضایی و فقه اسلامی پرداخته می‌شود.

۵-۶-۱. تعدیل وجه التزام در رویه قضایی

در این نوع از وجه التزام، این محاکم دادگستری هستند که با صدور حکم، میزان خسارت را مشخص می‌کنند. تعریف این نوع از وجه التزام: «شامل حکم دادگاه و رای قضایی بر شخص مدیون است که به دلیل تأخیر در انجام تعهدات خود بر اساس واحد زمانی معین‌شده، خسارتی تعیین‌شده را به عنوان خسارت به شخص متعهد می‌دهد که «غرامت قضایی» نیز

منفعتی نمی‌رود. ارزش مادی در تعهدات قراردادی مثبت، به وضوح معلوم می‌شود، مانند تحویل کالای فروخته و معامله شده، کار کارگر و حقوق بگیر، پرداخت اجاره، امکان بهره از مزایای اجاره شده و دستاورد کارهای شرکاء در شرکت و... . در مورد تعهدات منفی، ارزش مادی به طور غیر مستقیم ظاهر می‌شود، زیرا تعهد عدم استفاده از سپرده‌ای که تضمین شده و یا به عنوان مثال عدم دست‌درازی به آن، منفعتی مالی برای صاحب آن است تا هر آنچه بدان ضرر می‌رساند را از آن دور کند. فقها و حقوقدانان اظهار داشته‌اند که در بیع (فروش)، مال منعقد باید متقوم باشد و مال متقوم به معنای چیزی است که انتفاع از آن شرعاً جایز باشد، اما آنچه شرعاً انتفاع از آن جایز نیست، مانند شراب و گوشت خوک، بستن قرارداد درباره آن‌ها درست نیست (۵)، اما این ارزش ممکن است اخلاقی و مربوط به اخلاق و نظام خانواده باشد، مانند تعهد زن به اطاعت و پیروی از شوهرش و همچنین تعهد شوهر به داشتن رفتار خوب با او.

- علت و ماهیت تعهد: رخدادی است که موجب پیدایش تعهد شده و شامل همه اعمال و تصرفات گفتاری، رفتاری و حالات و شرایطی است که شرعاً موجب پیدایش حق می‌شود. این علت در قانون منبع تعهد نامیده می‌شود، لذا عقد بیع، تصرف لفظی (گفتاری)، و از بین بردن مال غیر، یک رفتار عملی و واقعی و عدم تمایل به فعلی است که با وجود داشتن توانایی تصرف و رفتار منفی، موجب حفظ مال از نابودی می‌شود. موضوع تعهد، جبران خسارت (غرامت) است.

ماهیت حقوقی تعهد این است که یک رابطه مادی یا به مال متعهد (مؤدی)، مانند بدهکار مربوط می‌شود و یا به کار و عمل او، به عنوان حقوق‌بگیر و یک رابطه شخصی نیست که منجر به حقی برای طلبکار شود که بدهکار متمول را مجبور به انجام تعهد خود با اجبار جسمی مانند حبس و محدودیت کند. در یک مثال تحت عنوان «عقد بیع» می‌توان گفت که فروشنده متعهد «تعهد داده» است و خریدار متعهدله «تعهد گرفته» است، محل بیع و فروش: محل مورد تعهد فروشنده است و قیمت: محل خریدار است و موضوع: تحویل در هر یک

نامیده می‌شود (۸). همچنین در این باره ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م. سابق نیز مقرر می‌داشت: «در مواردی که موضوع تعهد عملی است که انجام آن جز به وسیله شخص متعهد ممکن نیست دادگاه می‌تواند به درخواست متعهد در حکم راجع به اصل دعوی یا پس از صدور حکم، مدت و مبلغی را معین نماید که اگر محکوم‌علیه مدلول حکم قطعی را در آن مدت اجرا نکند، مبلغ مزبور را برای هر روز تأخیر به محکوم‌له بپردازد.»

در نتیجه این نوع از وجه التزام توسط دادگاه و مراجع ذیصلاح قضایی مشخص می‌شد و در آن توافق طرفین نقش خاصی نداشت. اجرای بی‌قید و شرط ماده ۲۳۰ قانون مدنی همواره در دستور کار محاکم قضایی در ایران بوده و اصل حاکمیت اراده در این باره فصل‌الخطاب قرار می‌گیرد. با این وجود تنها موردی که در رویه قضایی ایران می‌تواند عاملی جهت عدم امکان مطالبه وجه التزام گردد، عبارت از استناد به قوه قاهره و اثبات آن می‌باشد. تحلیل ارائه‌شده این است که وجه التزام مقرر در ماده ۲۳۰ قانون مدنی، به عنوان نوعی خسارت بوده و طبق اصل مقرر در ماده ۲۲۷ قانون مدنی در فرض وقوع حوادث قهری، متعهد از پرداخت آن معاف می‌گردد.

تعدیل وجه التزام از نظر حقوقی در واقع کمک به شرایط پیش‌بینی نشده است که می‌تواند باعث خدشه‌دار شدن عدالت گردد. از این جهت، تعدیل وجه التزام جایی می‌تواند قابل دفاع باشد که تغییرات صورت‌گرفته در تعهدات و خدمات، از پیش‌بینی‌های اولیه و حدودی که در نظر گرفته شده است، تجاوز نموده و به حد غیر قابل تحمل رسیده باشد» (۹). بدین ترتیب، هر تعدیلی در قرارداد بسته به شرایط و موقعیتی دارد که در صورت وقوع آن‌ها می‌توان قرارداد را تعدیل کرد. علاوه بر این، تأثیرات عمیق تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی و... دولتمردان کشورها بر قراردادهای خصوصی نیز غیر قابل انکار و در حال افزایش است و افزون بر این از اهمیت تعدیل قراردادهای می‌توان نام برد که با توجه به خلأهای قانونی در تنظیم قوانین توانایی نقش‌آفرینی در تشکیل رویه مناسب قضایی را خواهد داشت (۱۰). بنابراین کمک به تحقق عدالت از جمله موارد لازم برای گنجاندن تعدیل وجه التزام در قوانین داخلی است.

مطابق ماده ۲۳۰ ق.م. امکان تعدیل وجه التزام وجود ندارد. در فقه امامیه هم به عنوان یکی از منابع حقوق موضوعه با وجود مباحث متعدد درباره اصل جواز و اعتبار توافق طرفین بر خسارت با مفهوم تعدیل وجه التزام بیگانه است. شرایط کلی فقهی برای صحت شرط جزایی عبارت است از اینکه نه مبتنی بر امر باطلی باشد - مثل عقد باطل - و نه امر باطلی را در پی داشته باشد - مثل ربا - در این صورت چنین شرط صحیح و لازم‌الوفاء است. در تعدیل وجه التزام آنچه که از اهمیت زیادی برخوردار است رابطه بین میزان شرط وجه التزام و خسارت واقعی است. به این دلیل که میزان وجه التزام را به اندازه خسارت واقعی به هم نزدیک‌تر سازند و این امر نشأت‌گرفته از جنبه مقطوع‌نمودن خسارت شرط وجه التزام است.

بعضی از قضات، علیرغم وجود ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی و نظر حقوقدانان، حتی نسبت به صدور حکم خسارت تأخیر تأدیه اکره دارند. قاضی در صدور اجراییه علیرغم وجود حکم در خصوص خسارت تأخیر تأدیه نسبت به آن قسمت از حکم که مربوط به خسارت تأخیر تأدیه است، آن را قابل اجرا نمی‌داند؛ به طریق اولی در خصوص وجه التزام آن را قابل صدور حکم نمی‌دانند، اما با این حال نظرات اقلی وجود دارد که وجه التزام را قابل مطالبه دانسته و خسارت تأخیر تأدیه را نیز قابل مطالبه می‌دانند. بنابراین در رویه قضایی دو نظر عمده وجود دارد؛ نظر اکثریت (غالب) این است که وجه التزام فقط برای تحکیم قراردادی از جهت قابل اجرا بودن اصل تعهد می‌باشد، در صورتی که امکان اجرای اصل تعهد باشد، نوبت به مورد مطالبه تضمین آن، یعنی وجه التزام نمی‌رسد، ولی در صورت تعذر اجرای اصل تعهد می‌توان نسبت به مطالبه وجه التزام اقدام کرد. نظر اقلیت این است که توجه به اصل اراده طرفین و اینکه چنانچه متعهد مرتکب تخلف شود، بر متعهدله این حق ایجاد شده است که بتواند مستحق مطالبه وجه التزام، علاوه بر تعهد اصلی شود.

در رویه قضایی و بین حقوقدانان، نظر یکسانی در خصوص وجه التزام مشاهده نمی‌شود، چراکه در واقع برخی از حقوقدانان نظر به تعدیل وجه التزام دارند (۱۱)، در حالی که به جرأت

می‌توان بیان داشت که اکثریت حقوقدانان بر نافذبودن شرط تأکید می‌کنند. دو دیدگاه در این زمینه وجود دارد:

۱- تعدیل وجه التزام و نمونه آرای صادرشده در این باره: در این دیدگاه تعدیل شرط التزام مورد پذیرش قرار گرفته و معتقدند چنانچه وجه التزام گزاف باشد، در این راستا می‌توان به تعدیل آن دست زد، از جمله در رویه قضایی زیر و آرای صادرشده در باره ی آن:

- رأی شعبه ۳ دادگاه عمومی شهرستان ماکو به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۴۴۵۶۶۰۰۴۶ مورخ ۱۳۹۸/۱/۲۱: در این رأی مقرر می‌دارد که «هرچند در خصوص وجه التزام ماده ۲۳۰ قانون مدنی مقرر داشته، ولی نظر به اینکه تعیین ماهانه ده میلیون تومان با لحاظ مفاد قرارداد و ملاحظه نظریه تکمیلی کارشناسی، بسیار گزاف و خلاف انصاف و عدالت معاوضی و غیر عادلانه به نظر می‌رسد، دادگاه با مستفاد از حکم کلی منعکس در مواد ۲۷۷ و ۶۵۲ قانون مدنی که قائل به تعدیل تعهدات قراردادی توسط دادگاه گردیده و قواعد فقهی عسر و حرج و لاضرر و ملاک ماده ۱۵۰ قانون دریایی با تعدیل و تقلیل وجه التزام از ۱۰ میلیون تومان به ۵ میلیون تومان دعوای خواهان را تا این میزان وارد و نسبت به الباقی ... حکم بر بی‌حقی صادر می‌گردد.»

- شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان فارس به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۱۲۰۱۰۰۸۵۶ مورخ ۱۳۹۵/۶/۳۱ مقرر می‌دارد: «در خصوص تجدید نظرخواهی ... نسبت به آن بخش از دادنامه شماره ۹۴/۱۷۸ شعبه اول دادگاه عمومی شیراز ... که به موجب آن، به پرداخت مبلغ روزانه چهار میلیون ریال بابت خسارت ناشی از عدم انجام تعهد موضوع بند ۷ ماده ۶ قرارداد در حق تجدید نظر خوانده محکوم گردیده است؛ ... نظر به اینکه تعیین خسارت روزانه چهار میلیون ریال با لحاظ کل ثمن معامله، بسیار گزاف و خلاف انصاف و عدالت معاوضی و غیر عادلانه به نظر می‌رسد. بنابراین هیأت دادگاه با مستفاد از حکم کلی منعکس در مواد ۲۷۷ و ۶۵۲ قانون مدنی که قائل به تعدیل تعهدات قراردادی توسط دادگاه گردیده و قواعد فقهی نفی عسر و حرج و لاضرر و ملاک ماده ۱۵۰ قانون دریایی ایران با تعدیل و تقلیل وجه التزام روزانه از چهار

میلیون ریال به یک میلیون ریال، دادنامه تجدید نظر خواسته را با اصلاح به عمل آمده ... تأیید می‌کند.»

۲- دیدگاه قائل به نافذبودن شرط وجه التزام و عدم تعدیل آن: در راستای تأیید دیدگاه فوق می‌توان به ماده ۲۳۰ قانون مدنی استناد نمود: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است، محکوم کند.» بنابراین بر اساس ماده فوق می‌توان بیان داشت که در حقوق ایران بنا بر ماده فوق، قانونگذار مقرر نموده که وجه التزام یک مبلغ مقطوع می‌باشد که امکان تعدیل آن وجود ندارد.

- شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان غربی به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۴۴۲۱۹۰۱۴۸۷ مورخ ۹۸۰۹۹۷۴۴۲۱۹۰۱۴۸۷ مقرر می‌دارد: «تعدیل خسارت به اعتبار تعیین وجه التزام قراردادی مطابق با مقررات نیست. نظریه مستفاد از مواد ۲۳۰ و ۲۱۹ قانون مدنی، اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است، محکوم کند و عقود که بر طبق قانون واقع شده است، بین متعاملین و قائم مقام آن‌ها لازم‌الاتباع است ... و تعدیل قضایی خسارت با توجه به مراتب، مغایر با مقررات و موجه نمی‌باشد. بنابراین ... دادنامه تجدید نظرخواسته را نقض و حکم به محکومیت خوانده بدوی به پرداخت الباقی مبلغ وجه التزام از قرار ماهیانه ۵ میلیون تومان اعلام می‌دارد.»

- در دعوای مطالبه وجه التزام مندرج در قولنامه معامله قنوت، خوانده دفاع می‌کند که در نتیجه خودداری خریدار قولنامه ضرری به فروشنده وارد نشده است تا وجه التزام برای جبران آن قابل مطالبه باشد، اما شعبه ۴ دادگاه بخش تهران با رد دفاع خوانده اظهار می‌دارد، نظر به اینکه به موجب ماده ۲۳۰ ق.م. وجه التزام مندرج در سند ارتباطی با میزان واقعی خسارت خواهان ندارد و دادگاه نمی‌تواند در میزان تغییری دهد، لذا دعوی ظاهراً به نظر صحیح است (۱۲). همچنین مطابق رأی صادره در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۱ از شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور حاکم باید بر اساس ماده ۲۳۰ قانون

- قاعده فقهی منع «اکل مال به باطل»: در این راستا و بر اساس قاعده فوق چنانچه مشخص شود که متعهدله در واقع متحمل هزینه اضافی یا ضرری نگردیده است، در آن صورت گرفتن و دریافتن مبلغ هنگفت در قالب وجه التزام به نوعی «اکل مال به باطل» تلقی شده، چراکه به معنی بدون عوض و بلااستحقاق است (۱۵). در نتیجه باطل محسوب می‌شود. قاعده مذکور مبنای بسیاری از مواد قانون مدنی در خصوص منع داراشدن بدون جهت به حساب می‌آید، به این دلیل که مطابق این قاعده با افزایش دارایی یکی، دارایی دیگری کاهش می‌یابد، یا هزینه‌ای به ناحق بر دیگری تحمیل می‌شود که این افزایش دارایی به ناحق می‌باشد. در تأیید این مطلب و بر اساس اصل چهل و نهم قانون اساسی می‌توان بیان داشت: «دولت موظف است که ثروت‌های غیرمشروع را بگیرد و به صاحب حق رد کند.» بدین ترتیب این قاعده مبنای حرمت بسیاری از مسائل مستحدثه می‌باشد و محدود به مصادیق در شرع نیست (۱۶). آنچه در راستای اهمیت و تحلیل این قاعده می‌توان بیان داشت که با استناد به قاعده اکل مال به باطل، چنانچه خسارتی که گزاف و اجحاف‌آمیز محسوب شود، مبتنی بر سبیل ناحق تلقی خواهد شد و برای قاضی حق «تعدیل» در راستای مبارزه با آن محفوظ بوده و در واقع چنین شرطی مصداق کسب ثروت ناروا است و از درجه اعتبار ساقط است.

- بنای عقلا: شروط و قراردادهای غیر منصفانه و ناعادلانه موافق بنای عقلا نبوده و نامشروع و مخالف با قواعد عدل و انصاف تلقی می‌شوند. در این راستا و بر مبنای نظر عقلا چنانچه اگر انگیزه مندرج در وجه التزام کیفر باشد و این انگیزه به حدی نامتعارف و غیر معقول به حساب آید که به ماهیت خسارتی وجه التزام صدمه زند، دیگر این مبلغ وجه التزام به حساب نخواهد آمد، چراکه بر اساس استدلال عقلا باید تناسب عقلایی بین مبلغ وجه التزام و خسارت محتمل الوقوع اثبات گردد، یعنی اینکه می‌بایستی مبلغ وجه التزام باید به گونه‌ای باشد که عنوان خسارت بر آن صدق کند. در واقع توافق بر امری که متکی بر احتمالات نامتعارف است، خود امری غیر عقلایی و غرری است، ضمن اینکه از منظر دیگر، وجه التزام باعث کاهش خطای قضاوت می‌شود و این احتمال

مدنی متخلف را به تأدیه همان مبلغ وجه التزام محکوم نماید نه بیشتر و یا کمتر (۱۳). بنا بر آرای صادرشده می‌توان چنین نتیجه گرفت که شرط وجه التزام مندرج نافذ بوده و رویه قضایی نیز در این راستا اقدام به تعدیل آن ننموده است.

بدین ترتیب در رویه قضایی علیرغم اینکه بر اساس ماده ۲۳۰ امکان تعدیل وجه التزام وجود ندارد، اما با استفاده از قواعد حقوقی و عمدتاً فقهی موجود در قوانین ایران می‌توان شرایط لازم را برای تعدیل وجه التزام فراهم نمود که در زیر به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۵-۶-۲. بررسی مستندات ابطال وجه التزام هنگفت و

ناعادلانه و چگونگی تعدیل وجه التزام در فقه اسلامی

با توجه به آثار سوء و نامطلوب ناشی از عدم تعدیل وجه التزام نامتناسب و ناعادلانه، همچنین با استناد به قواعد فقهی اعم از قاعده فقهی «منع اکل مال به باطل»، «غرری و نامشروع بودن»، «قاعده عدل و انصاف»، «بنای عقلا»، می‌توان جهت برقراری انصاف و عدالت، وجه التزام را به تناسب خسارت وارد گردیده در قرارداد، مورد توجه قرار داد. بنابراین در راستای تعدیل و ابطال وجه التزام هنگفت در فقه اسلامی و رویه قضایی به مستنداتی پرداخته می‌شود. از جمله:

- غرری و نامشروع بودن: در راستا قاعده فوق می‌توان بیان داشت که طبق رأی صادره از دیوان عالی کشور، که بیان می‌کند تعیین وجه التزام بیش از ثمن معامله به صورت شرط ضمن عقد، از مصادیق شرط غرری بوده و نامشروع به حساب می‌آید، چراکه مبلغ وجه التزام در این پرونده در صورت عدم تنظیم سند رسمی، سه برابر بهای ملک تعیین شده است و به (استناد بند ۱ و ۳ ماده ۲۳۳) قانون مدنی، از مصادیق شرط ضرری و غرری تلقی شده و بر نامشروع بودن آن تأکید شده است. از سوی دیگر نیز توجه به این موضوع اهمیت دارد زمانی که میزان وجه التزام بیش از ثمن معامله تلقی شود، ماهیت جرمیه داشته و طبق استدلال دیوان، تعادل عوضین به هم خواهد خورد و مصداق شرط نامشروع می‌باشد و ملاً طبق موازین فقهی نیز نامشروع و غرری است (۱۴).

۶. نتیجه گیری

قراردادها هرچند دارای مبنای قوی و مستحکمی هستند، اما این امر در عرصه عمل نیازمند میزانی از ثبات و پایداری در عرصه های مختلف حیات بشری است. به عبارت دیگر، هر قراردادی دارای این شرط ضمنی است که معامله تا زمانی دارای اعتبار است و الزام آور محسوب می شود که اوضاع و احوال بیرونی از زمان وقوع آن، دچار تغییرات اساسی نشود. بر همین اساس، تعدیل وجه التزام در قراردادها مطرح شده است که هرچند دیدگاه های مخالف آن نیز بسیار هستند، اما دارای مزیت هایی است که می تواند پشتوانه تحقق عدالت و همچنین عمل بر مبنای قواعد فقهی نظیر منع «اکل مال به باطل» و اصل لاضرر در نظر گرفته شود. به علاوه اینکه بر مبنای «غرری و نامشروع بودن»، «قاعده عدل و انصاف»، «بنای عقلا»، می توان جهت برقراری انصاف و عدالت، وجه التزام را به تناسب خسارت وارد گردیده در قرارداد، مورد توجه قرار داد. به نظر می رسد آنچه در ماده ۲۳۰ ق.م.لحاظ شده است، نیازمند تغییر و تحول است. با این استدلال که نمی توان همواره نسبت به شرایط بیرونی تعهدات غافل بود، ضمن اینکه وجه التزام ریسک خطای حقوقی را کاهش داده و این احتمال را که قضات در تعیین خسارت اشتباه کنند، از بین می برد.

در هر صورت موافقان در نظر گرفتن وجه التزام پیشنهاد می کنند تا با توجه به اصلاحیه های سال ۲۰۱۶ مندرج در قانون مدنی فرانسه به اصلاح ماده ۲۳۰ ق.م.پرداخته و اجازه تعدیل وجه التزام گزاف و یا ناچیز فراهم گردد، یا تا زمان اصلاح ماده قانونی مذکور، این ایراد با صدور رای وحدت رویه ای از سوی دیوان عالی کشور برطرف شود. چراکه از دیدگاه این گروه چالش آنجا هویدا می شود که تعیین وجه التزام گزاف و نامتناسب از یکسو و عدم امکان تعدیل آن در رویه قضایی از سوی دیگر، جامعه ما را از نزدیک شدن به اهدافی نظیر جلوگیری از ترویج نا عدالتی و حمایت از قشر ضعیف جامعه دور کرده است و رویه قضایی را از تعدیل آن بر حذر داشته است و پیامدهای نامطلوبی در قالب سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط و همچنین مقررات حمایت کننده از مصرف کنندگان در پی داشته است. این موضوع سبب شده

را که قاضی در برآورد خسارت اشتباهی مرتکب شود، به حداقل می رسد (۱۷). به علاوه اینکه، از نظر فقهی و در راستای اصول عقلانی استدلال می شود که اگر متعهدی در راستای اجرای تعهد، ملزم به پرداخت خسارت گشته و یا اینکه در نتیجه اجرای تعهد دچار ضرر و زیان نامتعارف شود، قاعد لاضرر به عنوان مانعی برای اجرای تعهد در نظر گرفته می شود (۱۸).

- قاعده لاضرر: از جهت دیگری نیز می تواند باعث منع بروز خسارات به متعهدین در نظر گرفته شود. به این دلیل که در باب مسئولیت تضامنی می توان این گونه استدلال کرد که در صورت عدم اعتبار و مشروعیت مسئولیت، ضررهایی مادی و معنوی ایجاد می شود و موضوع قاعده لاضرر هم دفع ضرر است (۱۹). متن قاعده از حدیث نبوی «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» گرفته شده است. در این قاعده با ورود هر گونه ضرر به هر نحو می بایست جبران ضرر انجام پذیرد. بدین ترتیب یکی دیگر از قواعدی که می تواند موجب تعدیل وجه التزام گردد، قاعد لاضرر است. به موجب این قاعده، الزامی بودن قراردادها بر مبنای اصلاح و یا تغییر در آنان کاهش پیدا کرده و رویکرد منعطف تری حاکم می شود.

- قاعده عدل و انصاف: اساس تکوین و تشریع، بر عدل و انصاف استوار است. خداوند متعال در آیات و روایات از عموم مکلفان خواسته است که عدل و انصاف را پایه و اساس کار و عمل خود قرار دهند و به آن عمل کنند. مقصود از عدل و عدالت این است که شارع در تمام احکام اعم از عبادات و معاملات، عدالت را رعایت کرده است و هیچ حکم ظالمانه ای را تشریع ننموده است. اساس و مبنای قراردادها و معاملات قواعد فقهی «لاضرر و لاحرج و قاعده عدل» می باشد (۲۰). محل قاعده عدل و انصاف، جایی است که حس برقراری موازنه حقوق در انسان تحریک شود و حکم عقل و وجدان در چنین صورتی قاعده عدل و انصاف را شکل می دهد. قاضی در مقام اجرای حکم باید تلاش کند از ظاهر مفاد عقد بگذرد و شرط را چنان معنا کند که از انصاف دور نباشد. تعدیل در این شرایط می تواند موافق عدالت تلقی شود.

است تا این گروه با تفسیر جدید و نوین از ماده ۲۳۰ ق.م.بر مبنای اراده طرفین قرارداد برآیند، لذا در این راستا بر لزوم تفکیک و جدایی مصادیق وجه التزام و جواز تعدیل وجه التزام تنبیه‌کننده با مبلغ گزاف را پیشنهاد دهند. علاوه بر آن نیز وجه التزام در ایران توأمان هر دو چهره کیفری و جبران خسارت به خود می‌گیرد و به همین دلیل ادعای خلاف آن در دادگاه‌ها شنیده نمی‌شود، چراکه در حقوق ایران وجه التزام مبلغی مقطوع می‌باشد، بدین مفهوم که دادگاه پس از استحقاق متعهدله در اثر نقص تعهد، باید حکم به پرداخت عین مبلغ درج‌شده در قرارداد را به عنوان خسارت بدهد، حتی اگر مبلغ تعیین‌شده چندین برابر زیان وارده باشد و یا برعکس نسبت به خسارت وارده بسیار ناچیز باشد و حق هیچ‌گونه تعدیل ندارد. نتیجه‌گیری حاصل از این پژوهش این است که وجه التزام نامتعارف در ایران نیز قابلیت تعدیل را دارد و اطلاق ماده ۲۳۰ قانون مدنی را لزوماً باید در کنار دیگر اصول مسلم حقوقی و متون قانون مدنی قرار داد و اگر وجه التزام از حدی بالاتر رفت، در شرایطی کل آن و در مواردی، نسبت به مازاد، آن را بی‌اعتبار باید دانست، مگر آنکه خسارت واقعی محرز باشد.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت برابر و با رعایت اصول همکاری نسبت به نگارش مقاله حاضر اقدام نمودند.

۹. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

References:

1. Batras Albastani F. Mohit Almohit. Beirut: Maktab Al Lebanon; 1987. (Arabic).
2. Sanhoori AA. Ces of truth in Islamic jurisprudence. Beirut: Dara Alehya Al Torath Al-Arabia; 1997. (Arabic).
3. Sanhoori AA. The mediator in explaining the civil law. Beirut: Dara Alehya Al Torath Al-Arabia; 1964. (Arabic).
4. Jaafari Langrodi MJ. Rights of obligations. Tehran: Tehran University; 1992. (Persian).
5. Vahid Aldin Savar M. General theory of commitment. Damascus: Daralketab; 1975.
6. Ahmad Alzarqa M. Duction to the general commitment theory in Islamic jurisprudence. Damascus: DarAlghalam; 1999.
7. Katoozian N. Judicial justice. Tehran: Dadgostar; 1998. (Persian).
8. Jaafari Langrodi MJ. Legal terminology. Tehran: Ganj Danesh; 1990. (Persian).
9. Bigdeli S. Contract modification. Tehran: Mizan; 2014. (Persian).
10. Katouzian N. Forced Warranty and Civil Liability. Tehran: Tehran University; 1990. (Persian).
11. Katouzian N. General rules of contracts. Tehran: Sahami Enteshar; 2010. (Persian).
12. Katouzian N. Coercive guarantee and civil liability. Tehran: Tehran University; 1991. (Persian).
13. Bazgir Y. Civil law, in the mirror of the Supreme Court rulings, contracts and obligations. Tehran: Ferdosi; 1997. (Persian).
14. Safaei H. General rules commitments. Tehran: Mizan; 1998. (Persian).
15. Tabarsi AH. Majma albayan. Beirut: Dara Maarefeh; 1998. (Arabic).
16. Soleimani H, Soltani AA, Safaei M. Territory analysis Eat money for nothing. *Islamic jurisprudence and legal studies*. 2015;10(34):27-55.
17. Paspan MR, Rahmati P, Gharibi S. Economic Analysis of the Obligation Institution, with Emphasis on the Common Law and German-Roman Legal System. *Bi-Quarterly Journal of Civil Law Knowledge*. 2012;3(2):14-30.
18. Moghtaderi Amiri A, Askari H. Modification of the contract in Imami jurisprudence and Iranian law. *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law*. 2014;11(41):145-62. (Persian).
19. Mohaghegh Damad M. Rules of jurisprudence. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center; 2018. (Persian).
20. Mahamed A. Mining the rule of justice and its effects. *Journal of Qom University*. 2005;8(2):15. (Persian).

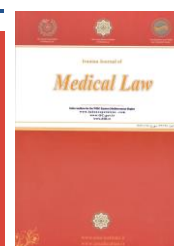


The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

A Review of the Adjustment of the Obligation in Jurisprudence and Law

Hamid Sohrabi¹, Asghar Arabian^{2*}, Najad Ali Almasi³

1. PhD Student in Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 16 September 2021

Accepted: 1 January 2022

Published online: 23 January 2022

Keywords:

Adjustment of Obligation

Judicial Procedure

Jurisprudence

Law

* Corresponding Author:

Asghar Arabian

Address: Department of Private Law,
Faculty of Law, Theology and Political
Science, Science and Research
Branch, Islamic Azad University,
Tehran, Iran.

Postal Code: 14778-93855

Telephone: 21-44865154

Email: A.arabian42@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Globalization, the rise of urbanization, the growth and expansion of economic and trade exchanges, have given contracts special opportunities. Therefore, the present article seeks to review the "procedure of judicial courts in issuing decisions to modify the contractual obligation.

Materials and Methods: According to the thematic documents presented in this research, the method of comparative research and the method of data collection in this research is documentary-legal analysis.

Results: In Iran, according to Article 230 BC, while there is no single judicial procedure, it has been emphasized that it is not possible to adjust the obligation, which is not compatible with the rules of justice and fairness, prohibition of void property. It is proposed that the obligation be adjusted until the amendment of the said article in accordance with the French Civil Code, at the request of the parties.

Ethical considerations: In different stages of writing this article, ethical principles have been considered, including paying attention to the method of scientific and ethical reference.

Conclusion: The lack of a contractual legal framework and the lack of a proper legal explanation of the theory of unpredictability are the two main challenges in Iranian law in relation to the adjustment of the obligation. It is necessary to pay attention to the necessity of respecting the principle of freedom of contracts on the one hand and preventing the violation of the rights of the weak party to the contract and the conditions prevailing at the time of concluding the contract by emphasizing the inner will of the contracting parties.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Sohrabi H, Arabian A, Almasi NA. A Review of the Adjustment of the Obligation in Jurisprudence and Law. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.